بسم الله الرحمن الرحیم

اصول\_ 8 اردیبهشت 97

بحث در حجیت شهره است در این مبحث نیز ابتد افرمایش مرحوم آقای خویی اعلی الله مقامه در مصباح الاصول تبیین می شود و بعد هم مقایسۀ مختصری خواهیم داشت با آ«چه مرحوم آريالای بروچجردی در این زمینه بیان فرموده اند این مطلب به عنوان مقدمه باید لحاظ شود که ما سه قسم شهرت داریم،:

شهرت رواییه

شهرت عملی

شهرت فتوائیه

بین این سه نوع شهرت باید تفکیک قائل شد. اساس بحث شهرت رواییه مربوط است به تعادل و تراجیح. آن­جا باید مطرح شود که آیا شهرت روائیه جز مرجحات هست یا نه؟ شهرت عملیه اساس بحثش مربوط به بحث خبر واحد است که اگر خبری مورد افتاء فقهاء قرار گرفت چه باید گفت؟ آ­ن چه این جا ذیل بحث اجماع مطرح می شود، فقط شهرت فتوائیه است.

منتها چون ما باید به عنوان دلیل از مقبوله عمر به حنظله و نیز مرفوعه زراره در بحث حجیت شهرت فتوائیه هم استفاده کنیم، ناچاریم که اشاره ایی به آن دو نوع حجت هم داشته باشیم. شهرت روائیه یعنی کثرت نقل روایت، که مقابل شذوذ و ندرت نقل در روایت دیگر است. روایتی است که ناقل آن کم است، روایتی است که تعدادی از روات، این روایت را مثلا از امام صادق سلام الله علیه نقل کرده اند. نظر مشهور فقها و اصولیین اعلی الله مقامهم این است که شهرت روائیه جز مرجحات است اگر دو روایت داشتید یکی مطلبی داشت و دیگری مطلب دیگری را بیان می کرد که قابل جمع نبودند، آن روایتی که ناقل بیشتری از امام دارد، آن را اخذ کنیم، استناد مشهور هم به مقبولۀ عمر بن حنظله است که امام سلام الله علیه می فرماید خذ بالمجمع الیک بین اصحابک. سوال می کند اگر دو روایت متعارض داشتمی چکار کنم؟ امام می فرماید خذ بالمجمع علیک عند اصحابک.

عند قلتَ در این حدیث کلمۀ اجماع آمده است و الان بحث ما در شهرت است، شما چگونه تمسک می کنید به روایتی که کلمۀ مجمع علیه دارد برای اثبات حجیت شهرت؟

قلت چون بلا فاصله امام سلام الله علیه می فرماید واترک الشاذ النادر و این واترک الشاذ النادر نشان می دهد که مخالف دارد و اجماع اصطلاحی نیست و الا اگر اجماع اصطلاحی بود شاذ و نادری در برابرش نیست پس مراد مشهور است.

دلیل دوم که از آن تعبیر به مرفوعۀ زراره می کنند، خذ بما الشتهر بین اصحابک.

از نظر سندی با این که به روایت عمر بن حنظله که معروف و مشهور هم هست در باب ولایت حاکم شرع هم به آن استناد می کنند، با این که معمولا تعبیر به مقبوله می شود اما از نظر مرحوم خویی، عمر بن حنظله توثیق خاصی ندارد مگر یک روایتی که دال بر توثیق است اما خود آن روایت ضعیفة السند است اگر آن روایت درست می شد.

روایت مرفوعه زراره هم اسمش با خودش است: مرفوعه. علاوه در کتاب عوالی اللوالی مرحوم ابن ابوجمهور آمده است که آقای خویی می فرماید در مولِف و مولَف کسانی نقد کردند که داب شان نقل اخبار نیست مثل صاحب حدائق.

البته ما فعلا با این بحث سندی کار ندرایم چون هم در مورد عمر بن حنظله عرائضی داریم و هم در مورد ابن ابی جمهور اعلی الله مقامه. آن را ان شاء الله در بحث تعادل و تراجیح مطرح می کنیم. حا لبا غمض عین از بحث سندی ببینیم آیا استفاده ایی که از این دو روایت کرده اند که در این که ترجیح با روایت مشهوره هست این درست است یا نه؟ نظر مبارک محقق خویی قدس الله نفسه الزکیه ایم است که شهرت روائیه جز مرجحات نیست. چون در روایت که می گوید مجمع علیه لا ریب فیه، یعنی آن خبری که که اجماع داریم بر صدورش بر معصوم، و به عبارت اخری آن خبری که معلوم الصدور من المعصوم است در برابر شاذ و نادر که معلوم الصدور، قطعی الصدور نیست، آن چیزی که لا ریب فیه است، هیچ شک و شبهه ایی در آن نیست، آن روایت معلوم الصدور از معصوم است که علامت این معلوم الصدور بودن، مجمع علیه بین اصحاب است و شاهد دیگر بر این معنای من آقای خویی برای این حدیث این است که امام فرمود الامور ثلاثة امرٌ بینٌ رشده فیتبع، امر بینٌ غیه فیجتنب و امر مشکل یرد حکمه الی الله

خب انی که به اما منسبت بدهند و بین الغی باشد قطعا امام آن را نفرموده است. آن چیزی که به امام نسبت به دهند و بین الرشد باشد از امام است و انی که نمی فهمیم حکمش را به خدا باز می گردانیم.

امر بین همان مجمع علیه است. وقتی خبر مجمع علیه بین الرشد بود، خبری که معارض با خبر بین الرشد است، بین الغی می شود. ساقط از حجیت است و هر روایتی را که مخالف کتاب و سند باشد باید کنار بگذاریم.

ان قلتَ که در مقبولۀ عمر به حنظله بعد از آن که این معیار را امام علیه السلام بیان می کند، راوی می گوید حال اگر هر دو روایت مشهور بودند، آن جا چکار کنم؟ پس معلوم می شود هیچ مانعی ندارد که دو روایت با همدیگر شهرت و مجمع علیه باشد.

قلتُ من تعبیر کردم به مقطوع الصدور، هیچ مانعی ندارد دو روایت، مقطوع الصدور باشد اما یکی بین الرشد است باید عمل بشود، یکی تقیةً صادر شده باشد که باید کنار گذاشته بشود. اگر بنده بخواهم با عبارت خودم فرمایش مرحوم آقای خویی را توضیح بدهم این گونه می گویم که شما معیاری باید پیدا بکنید که روایت قابل افتاء را از روایت غیر قابل افتاء جدا کنید. روایتی که بشود به آن عمل کرد با روایتی که قابل عمل نیست این را جدا کنید، اعم از اینکه، آن روایتی که قابل عمل نیست، صارد شده باشد یا صادر نشده باشد. چون چه بسا روایتی صادر از امام علیه السلام شده باشد ولی قابل عمل و افتاء نباشد. تمام کوشش جناب عمر بن حنظله این است که از امام یک خط کش و معیار استفاده کند که با آن روایات قابل عمل از روایات غیر قابل عمل جدا بشود. امام می فرماید آن چه را که اصحاب تو بر آن تجمع دارند، آن بین الرشد است، و لا ریب فیه است، برو آن روایت را بگیر و آن روایتی که این ویژگی را ندارد رها کن اعم از این که بین الغی باشد یا مشکل که یرد حکمه الی الله. ولی هر کدام که باشد قابل عمل نیست . من عمر بن حنظله از امام یک خط کش گرفتم که ر وایات حجت از لا حجت جدا کنم ، در حالی که بحث تر جیح برای مقامی است که هر دو فی نفسه حجت باشند. حرف آقای خویی این است که این روایت مرجح احد الحجتین علی الاخری نیست بلکه این روایت ممیز حجت عن لا حجة است.

این جواب این بزرگوار اعلی الله مقامه به مقبوله عمر بن حنظله بر فرض پذیرش سند. می فرماید از این بیان من وجه ضعف استدلال به مرفوعه زراره هم معلوم می شود . خذ بما اشتهر بین اصحابک، معنای شهرت در این روایت شهرت لغوس است نه شهرت اصطلاحی. شهرت لغوی یعنی چی؟ ای الظاهر الواضح.

فیکون المراد به الخبر الواضح صدوره. خذ بما اشتهر بین اصحابک، مرجح احد الحجتین بر دیگری نیست، یکی را حجت را می کند و دیگری را لا حجت قرار می دهد. مقطوع الصدور مطمئن به صدور، وقتی یک روایت شد مقطوع الصدور که قابل افتاء است طبیعتا آن روایتی که در مقابل این روایت قرار گرفته است می شود شاذ نارد و دقیقا این روایت هم می شود مثل مقبوله عمر بن حنظله.

قسم دوم از شهرت، شهرت عملیه است که عرض کردیم بحث شهرت عملیه جایگاه در خبر واحد است معنای شهرت عملیه این است که استناد مشهور فقها به یک روایت، جبران ضعف سند می کند کما اینکه اعراض مشهور کاسر سند روایت خواهد بود، این هم باز یکی از امتیازات ایشان است که نهجبران ضعف سند را قبول می کند و نه کاسر بودن که ان شاء الله شال آتی.

خب میرسیم به شهرت فتوائیه بمعنا اشتهار الفتوا بحکم من الاحکام من دون ان یُعلَم مستند الفتوا. می بینیم فقها مطلبی را به آن فتوا داده­اند به روایات که مراجعه می کنیم مستند برای آن فتوا نداریم. این را اسمش را میگذارند شهرت فتوائیه که در حقیقت درجه پایین تر از اجماع است.